

اهمیت و نقش ماهی در تاریخ اجتماعی و اقتصادی عصر صفوی

امیر آهنگران*

چکیده

ماهی جایگاه مهمی در تاریخ اجتماعی و اقتصادی ایران در ادوار مختلف به انحاء گوناگون داشته است. تنوع گونه‌های ماهی و نقش آن در تفریحات شاهان صفوی، درآمد دولت و سفره غذایی مردم و همچنین نقر شدن تصویر آن بر روی بخشی از سکه‌های رایج و فرش‌های دست‌باف حکایت از اهمیت این پدیده آبی در دوره صفویه است. این پژوهش با روشی توصیفی-تحلیلی به نقش چند وجهی ماهی در اوضاع اجتماعی و اقتصادی عصر صفوی می‌پردازد. مسئله اصلی در این پژوهش این است که جانوری آبی هم‌چون ماهی چه نقشی می‌تواند در حیات اجتماعی و اقتصادی یک جامعه در یک دوره تاریخی خاص هم‌چون صفویه داشته باشد؟ یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که با این‌که تنوع گونه‌های ماهی در مناطق مختلف قلمرو صفویان زیاد است، اما گوشت ماهی نقش بسیار کمی در سفره غذایی مردم و دربار صفوی دارد و ذائقه‌ی آنان بیشتر گوشت قرمز و دیگر گوشت‌های سفید است. هم‌چنین سنت شکار ماهی یکی از سنت‌هایی است که از همان دوره اختفای شاه اسماعیل در گیلان به عنوان یک سنت مورد توجه قرار می‌گیرد و او و دیگر شاهان صفوی علاقه خاصی به این سنت و سرگرمی پیدا می‌کنند به طوری که روزها یا ماه‌ها در کنار رودخانه‌ها و دریاچه‌ها به این کار مشغول می‌شوند. نقش ماهی بر روی فرش‌های دست‌باف و سکه‌های فلوس ضرب شده در شهرهای نزدیک به رودها و دریاچه‌ها نیز دلیل مهمی بر اهمیت این پدیده آبی در باورها و اعتقادات مردم و حکمرانان می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: انواع ماهی، شکار ماهی، چاشنی غذا، سکه فلوس، فرش صفوی

* استادیار گروه تاریخ، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران، ahangaran.a@lu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۲۰

۱. مقدمه

ماهی از گذشته‌های دور در فرهنگ و اساطیر ایران و در زندگی اجتماعی و اقتصادی مردم در ادوار مختلف جایگاهی مهم داشته است. سمبل خدای دریاها، نماد ایزدبانوی آناهیتا و نمایانگر فراوانی و حاصل‌خیزی بوده و نقوش آن به انحاء مختلف بر سنگ‌نگاره، تندیس-ها، مهرها و ظروف سفالی در دوره‌های تاریخی ایران باستان نقش بسته که امروزه نمونه‌های متعددی از آنها در موزه‌های مختلف موجود است. در دوران اسلامی نیز ماهی هم-چنان به عنوان نماد پاکی، برکت و باروری مورد توجه قرار می‌گیرد. ماهی در نماد شناختی ایرانی نشان از زندگی دارد و از آن‌رو در کنار هفت‌سین ایرانی سرآغاز زندگی دوباره طبیعت است و حضور ماهی از میان انبوه حیوانات اشاره‌ای است به این آغاز. (افروغ، ۱۳۹۰: ۱۵۸) از گذشته‌های دور سواحل جنوبی، جنوب‌شرقی و جنوب‌غربی دریای خزر چون دیلم، گیلان، طبرستان، گرگان و آذربایجان و ازان به همراه سواحل خلیج فارس، فارس و کرمان از مراکز مهم ماهی‌گیری در ایران بودند. هم‌چنین در برخی برکه‌های داخلی در فارس، طبرستان و برکه‌های مصنوعی نیز ماهی صید می‌شد. ماهی‌گیری فقط برای کسب‌وکار بود و هیچ‌نوع ورزش یا تفریح و سرگرمی در این ارتباط دیده نشده است. ماهی اغلب ماده اصلی تغذیه و یکی از کالاهای مهم صادراتی را تشکیل می‌داد. چنان‌که ماهی-های خشک‌شده از آبسکون، گیلان، خوارزم، ماه‌روبان و دارابگرد به دیگر مناطق صادر می‌شد. (اشپولر، ۱۳۷۳، ۴۰۷/۲-۴۰۸ و ۲۳۲-۲۳۳) از برخی منابع بر می‌آید، ماهی گوشت‌مطلوب برخی شاهان و امرا بوده است. چنان‌که در سیاست‌نامه به هنگام ملاقات یعقوب-لیث با سفیر خلیفه چنین اشاره شده: یعقوب

بفرمود تا تره و ماهی و پیازی چند بر طبق چوبین نهادند و پیش آوردند، آنگاه بفرمود تا رسول خلیفه را آوردند و بنشانند. پس روی سوی رسول کرد و گفت: برو خلیفه را بگوی من مردی روین‌گزراده‌ام [روی‌گزراده‌ام] و از پدر روین‌گری آموخته‌ام، خوردن من نان جوین و ماهی و پیاز بوده است و این پادشاهی و گنج و خواسته از سر عیاری و شیرمردی به دست آورده‌ام. (خواجه نظام‌الملک، ۱۳۴۴: ۱۷-۱۸)

علاوه بر جایگاه ماهی در تغذیه و درآمد مردم از قرون نخستین اسلامی تا ظهور صفویان، تصویر ماهی به عنوان یک نماد هویت بخش بر روی صنایع دستی و هنری هم-چون ظروف، سفالینه‌ها و فرش‌های زیادی نقش می‌بندد. فی‌المثل در سفالینه‌های دوره سامانی و دیگر دوره‌های تاریخی نقش ماهی مشهود است. حضور ماهی به عنوان یکی از

ظریف‌ترین و زیباترین طرح‌ها در قالبی بافی نیز با عناوینی چون نقش «ماهی درهم» یا «طرح هراتی» که در آن دو یا چهار ماهی که یا روبرو و یا درکنار هم قرار دارند و به دور حوضی می‌چرخند در اواخر دوره تیموری و در تمام دوران صفوی بسیار نمایان است. (افروغ، ۱۳۹۰: ۱۵۸) این پژوهش برآنست تا به این پرسش پاسخ دهد که ماهی و نمادهای آن چه تاثیری بر اوضاع اجتماعی و اقتصادی ایران عصر صفوی داشته‌اند؟ فرضیه‌ای که این پژوهش حول محور آن شکل گرفته این است که ماهی به عنوان یک پدیده آبری در هویت بخشی به برخی از موارث فرهنگی هم‌چون فرش‌های دست‌باف و سکه‌های فلوس به عنوان بخشی از اقتصاد و تبدیل شدن شکار آن به عنوان یک سنت توسط شاهان صفوی و تغذیه بخشی از مردم نقش داشته است.

این پژوهش از نوع پژوهش‌های تاریخی می‌باشد که بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای و به روش توصیفی-تحلیلی انجام گرفته است. داده‌های این پژوهش براساس گردآوری اطلاعات تاریخی از منابع دست اول، سفرنامه‌ها، تحقیقات جدید و مقالات و سپس تجزیه و تحلیل این اطلاعات بر مبنای پرسش‌های مطرح شده موضوع پژوهش ساماندهی شده است.

در مورد موضوع مورد بحث این پژوهش تاکنون پژوهشی مستقل به شکل کتاب یا مقاله صورت نگرفته است. هرچند به تنوع گونه‌های ماهی در دوره صفوی و شکار آن بوسیله شاهان صفوی به عنوان به یک سنت نهادینه که از دوره شاه اسماعیل در میان شاهان صفوی باب می‌شود و جایگاه ماهی در سفره غذایی طبقات جامعه در تحقیقات جدید و مقالات پژوهشی توجه خاصی نشده است، اما در برخی مقالات هم‌چون مقاله «نقوش قالبی دست‌باف ایرانی، عناصر و نمادهای هویت ملی» به قلم محمد افروغ و مقاله «نمادگرایی و تاثیر آن در فرش ایران» به قلم امیرحسین چیت‌سازان به نقش ماهی به عنوان یک نماد اساطیری و هویت ساز بر روی فرش‌های دست‌باف ایرانی اشاره شده است. هم‌چنین در کتاب «فلوس دوره‌های صفوی و قاجار» اثر بهرام علاء‌الدینی تنها صرفاً به ثبت برخی از سکه‌های فلوس دوره صفوی با نقش ماهی در این کتاب بدون پرداختن به فلسفه‌ی علل نقر شکل این پدیده آبری بر روی این سکه‌ها پرداخته شده است. برخلاف علاء‌الدینی، پاشایی در مقاله «ظهور نقش مایه ماهی آئین مهر در مهرهای دوره قاجار و فلوس‌های دوره صفوی و قاجار» به برخی علل نقر گونه‌های ماهی بر روی سکه‌های فلوس صفوی پرداخته شده است، هرچند پژوهش حاضر در برخی موارد با برخی رویکردهای پاشایی هم‌چون

ضرب کردن نقش ماهی بر روی سکه‌ها هیچ ربطی به اقلیم شهرها ندارد موافق نیست و بلکه اقلیم جغرافیایی را در ضرب این سکه‌ها مؤثر می‌داند.

۲. گونه‌های ماهی در دوره صفویه

در گستره جغرافیایی ایران همواره به دلیل دسترسی به دریاها، دریاچه‌ها و رودهای فراوان، گونه‌های مختلف ماهی موجود بوده و از آنها برای مصرف مردم و تجارت استفاده می‌شده است. چنان‌که در آثار جغرافی نویسان قبل از دوره صفوی به وجود ماهی فراوان در طبرستان و خوبی ماهی‌های خوزستان اشاره می‌شود. (مقدسی، ۱۳۶۱: ۵۱۹/۲ و ۶۳۴) ابن-فقیه از «شورماهی» رود گر به عنوان ماهی‌ایی خوشمزه و پُر چرب که گوشتش تر و تازه است و نمک‌سود شده‌ی آن را به علت این‌که در جاهای دیگر وجود ندارد، به اطراف صادر می‌کنند، نام می‌برد. (ابن فقیه، ۱۸۸۵: ۲۹۷) حموی نیز علاوه بر شورماهی از ماهی دیگری به نام «دواقن» و «عشب» یاد می‌کند که از این رود صید می‌شود. (حموی، ۱۳۸۳: ۴۸۷/۱) قزوینی نیز به وجود ماهی قزل‌آلای لذیذ و بی‌استخوانی که در آب‌های جاری شده کوه سهند وجود دارد، اشاره می‌کند. (قزوینی، ۱۳۷۳: ۶۴۳)

بیشترین اطلاعات در مورد تنوع ماهی در ایران عصر صفوی و مناطق صید و چگونگی مصرف آنها در سفرنامه‌های سیاحان و سفرای اروپایی دیده می‌شود. چنان‌که شاردن در فصلی جداگانه از سفرنامه‌اش با عنوان «ماهی‌های ایران» به طور مبسوط به این مسئله پرداخته و ماهیان را به دو گونه ماهی آب شور و ماهی‌های آب‌های شیرین تقسیم نموده است. به گزارش او در دریای خزر به عنوان یکی از بزرگ‌ترین دریاها ایران انواع و اقسام ماهی‌های خاویار، سرخو، و دست‌پیش و اقسام دیگر صید می‌شود و به جاهای دیگر ارسال می‌شده است. اما به اعتقاد شاردن هیچ یک از دریاها کره زمین به اندازه خلیج فارس ماهی‌های متنوع و مطبوع نداشته است. ماهی‌گیران روزی دوبار در سواحل این خلیج به ماهی‌گیری می‌پرداختند همه‌گونه ماهی خوش‌مزه و حتی متنوع‌تر از ماهی‌های دریاها اروپا در آن صید می‌کردند. ماهی‌های آب‌شیرین به قدر ماهیان آب شور زیاد و متنوع نبودند. شاردن دلیل کم بودن ماهی را چنین ذکر کرده که «در ایران رودخانه‌های مهمی وجود ندارد و از آب آن‌چه که نیز وجود دارد، آن‌قدر استفاده می‌کنند که استعداد و قابلیت پرورش ماهی از آنان سلب می‌گردد.» او می‌گوید تنها رودی که ماهی دارد رود گر است که در گرجستان جریان دارد. به نوشته شاردن در ایران سه نوع ماهی آب شیرین وجود داشت:

ماهی‌های دریاچه‌ها، ماهیان رودخانه‌ها، و ماهی‌های کاریزها یا قنات‌ها. ماهی‌های دریاچه‌ها عبارت بودند از ماهی قزل‌آلا، گل‌ماهی، ماهی سیاه چشم. فی‌المثل ماهی قزل‌آلا که رنگش سرخ و گوشتش لذیذ بود و فقط در ارمنستان پرورش می‌یافت. ماهی‌های رودخانه‌ها نیز بیشتر از نوع ریش‌دار بودند. سرانجام انواع ماهی‌های کاریزها که نسبتاً زیاد بودند و بعضی اقسام آنها حتی درشت می‌شدند، اما گوشت‌شان خوش مزه و مطبوع نبود. (شاردن، ۱۳۷۲: ۷۵۸/۲-۷۵۹) البته علاوه بر نوشته‌های شاردن، تاورنیه هم به گونه‌های ماهی در خلیج فارس که از بخشی از آن به عنوان دریای بندرعباس یاد می‌کند، چون سپرماهی‌های سفره‌ماهی - زیبا و ریزه‌کولی‌های خوب و ماهی متوی [ساردین] عالی اشاره می‌کند. (تاورنیه، ۱۳۸۹: ۳۷۰)

اولتاریوس آلمانی نیز به هنگام معرفی گونه‌های ماهی دریای خزر، از گونه‌ای ماهی به نام ناکا [گونه‌ای ماهی بلعنده] با کله و شکم کوتاه است ولی پوزه‌های بزرگ و دُمی گرد اشاره می‌کند که صید آن برای صیادان بسیار خطرناک است. زیرا سرش را به زیر آب فرو می‌برد و با ضربه دُم خود می‌تواند قایقی را واژگون سازد. نوعی ماهی سفید بزرگ نیز از دیگر گونه‌های ماهی در این دریا است که او صید آن را نیز برای صیادان بسیار سخت بیان می‌کند. اولتاریوس هم‌چنین بوجود گونه‌ای ماهی بدون سر و سایر اعضاء به بزرگی یک و نیم ساعد که از روغن آن برای روشنائی چراغ و ساختن مرهم جهت مداوای زخم شتر استفاده می‌شود و در تمام منطقه در دسترس خریداران قرار دارد و چیزی درباره آن نمی‌دانند، اشاره می‌کند. ماهی‌های آزاد بزرگ، خاویار، کفال، نوعی سوف، گونه‌ای بزرگ از کپور معروف به ماهی چاشام، ماهی سوغات که از نظر نژادی آمیزه‌ای از ماهی قزل‌آلا و آزاد و نمک‌سود و دود داده می‌شود، از دیگر گونه‌های ماهی در این دریا هستند. اولتاریوس حتی معتقد است که در تمام ایران ماهی تون و مار ماهی دیده نمی‌شود و چنانچه ایرانی‌ها ببینند که یک آلمانی‌ها مارماهی می‌خورد، تصور می‌کنند که همان مار معمولی است. (اولتاریوس، ۱۳۸۵: ۳۹ و ۴۱) فیگوروا نیز بهترین نوع ماهی آزاد را ماهی می‌داند که از مصب رود ارس صید می‌شود. (فیگوروا، ۱۳۶۳: ۳۲۳)

بازرگانان ونیزی نیز ضمن این‌که به فراوانی ماهی‌های خاویاری دریای خزر در تبریز اشاره می‌کنند، بوجود یک آبی دیگر که یحتمل یک نوع ماهی باشد و در نسخه انگلیسی سفرنامه‌شان نام آن از قلم افتاده است، اشاره می‌کنند: «از آن دریا [...] تازه به بزرگی جثه‌ی آدمی بدست می‌آید و چنان خوب است که گوشت آنها از گوشت کبک بهتر است. اما تنها

در بهار می‌آیند زیرا فصل آنها فقط دو ماه است.» (سفرنامه بازرگانان ونیزی در ایران، ۱۳۸۱: ۴۱۱) هم‌چنین نهر آجی [آجی‌چای=تلخ رود] در نزدیکی تبریز نیز قابلیت صید ماهی را داشت ولی در زمانی که آب آن فرو نشست کرده باشد. (شاردن، ۱۳۷۲: ۴۸۰/۲) دریاچه ارومیه نیز از دیگر مکان‌هایی است که اروپائیان بوجود ماهی در آن اشاره کرده‌اند. چنان‌که بازرگانان ونیزی به فراوانی نوعی ماهی که طعم طبیعی ندارد و بویی عجیب و مزه گوگرد می‌دهد در شهر تبریز که از دریاچه‌ای -دریاچه ارومیه- که مسافتش تا یک روز و آبش مانند آب وسطان و وان شور است، اشاره می‌کنند. (سفرنامه بازرگانان ونیزی در ایران، ۱۳۸۱: ۴۱۱) این در حالی است که چند قرن قبل از ونیزی‌ها، حموی در اثرش معجم -البلدان دریاچه ارومیه را این چنین توصیف نموده است: «تلخ و بدبو است جاندار در آن زندگی نتواند، نه ماهی و نه جز آن.» (حموی، ۱۳۸۳: ۴۴۸/۱-۴۴۹) احتمالاً در زمان آمدن بازرگانان ونیزی به ایران شاید به خاطر تغییرات و تبدلات شیمیایی میزان شوری آب دریاچه ارومیه کمتر شده و فرصت برای زندگی این گونه از ماهی فراهم گردیده است. خواندمیر به جزیره موال [؟] در خلیج فارس اشاره می‌کند که به هنگام مد شدید آب، ماهی زیادی وارد خشکی آن می‌شود. به طوری که مردم در این سال

به سعت [فراوانی] معیشت اوقات گذرانند زیرا که آن ماهی را گرفته به جوشانند و روغن آن را ذخیره سازند. گویند که آنقدر روغن از آن ماهی به حصول پیوندد که معارف و اکابر را تا یک سال جهت سوختن چراغ و احاد الناس را برای خوردن کفایت کند. (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۶۷۳/۴)

خواندمیر حتی در زمان خود به سفره‌ماهی که امروزه به این اسم معروف است و در هرمز صید می‌شده، چنین اشاره می‌کند: «نوبتی در ساحل دریای هرمز مشاهده افتاد که مردی ماهی صید کرد که مانند سپری گرد و پهن بود و دنباله دراز باریک داشت و در میان پشتش دو چشم گشاده بود و دهان در میان شکم داشت.» (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۶۸۸/۴) رودخانه‌ی بند امیر نیز از دیگر رودخانه‌های بزرگ قلمرو صفویان بود که فیگوروا سفیر اسپانیا آن را بزرگ‌ترین رودخانه ایالت فارس بر می‌شمارد و درباره ماهی‌های آن می‌نویسد: «با این‌که اهالی فارس علاقه زیادی به تفریح صید ماهی ندارند در این رودخانه ماهی‌های مرغوب و لذیذ فراوان است.» (فیگوروا، ۱۳۶۳: ۱۶۷) تاورنیه نیز به وجود ماهی‌های کپور، ماهی ریش‌دار و نوعی اردک‌ماهی در رودخانه‌ای که از جلگه ددیوان [؟] در راه شیراز به جنوب ایالات فارس می‌گذرد، اشاره می‌کند. (تاورنیه، ۱۳۸۹: ۳۴۸)

در برخی منابع به حوزه رودهای واقع در قفقاز جنوبی که جزیی از قلمرو صفویان بودند، نیز به صید انواع ماهی اشاره شده است. چنانچه در دریاچه‌ی کیاگارکونیسو یا دریای شیرین ماهی‌های قزل‌آلا و نوعی دیگر از ماهی که فقط در آب‌های شیرین پرورش می‌یابد، به حدّ وفور وجود داشت. ماهی‌های رودخانه‌ها و دریاچه‌ی ایروان در سراسر مشرق زمین شهره بودند و ماهی‌هایی را که در این رودخانه‌ها صید شده می‌شدند، درازای‌شان به بیش از سه پا می‌رسید. در واقع در این دریاچه نُه گونه ماهی صید می‌شد و این که ماهی-های قزل‌آلا و ماهی‌هایی که منحصراً در آب شیرین پرورش می‌یابند در ایروان مصرف فراوان داشتند. (شاردن، ۱۳۷۲: ۴۰۳/۱) در رود کُر نیز که در گرجستان جریان دارد مردم در تمام فصول سال از این مرکز تولید ماهی حداکثر استفاده را می‌کنند. (شاردن، ۱۳۷۲: ۳۳۱/۱) رودخانه‌های گیلان دیگر منبع بزرگ صید ماهی بودند که «انواع گوناگون ماهی نیز به وفور وجود دارد که نه تنها تغذیه اهالی را بسنده می‌کند، بلکه سایر ایالات نیز می‌توانند از آن بهره ببرند.» (اولناریوس، ۱۳۸۵: ۳۴۸ و ۳۲۲) حزین لاهیچی که سال‌ها بعد از اولناریوس از گیلان دیدن نموده با بیان این که «اقسام صید بری و بحری آن [گیلان] از حوصله شمار افزون است.» نوشته‌های همو را تأیید می‌کند. (حزین لاهیچی، ۱۳۳۲: ۲۴) رودخانه لار در بیلاقات تهران نیز از دیگر رودخانه‌هایی بود که در دوره صفویه قابلیت صید ماهی را داشت. وحید قزوینی به حضور شاه عباس دوم در چمن لار و صید ماهی فراوان قزل‌آلا لذیذ و خوش گوشت در این رودخانه توسط وی و همراهانش اشاره می‌کند و در یک مورد می‌نویسد: «بیجن بیگ یوزباشی غلامان خاصه شریفه به صید ماهی مأمور گشته در همان روز یک هزار و پانصد قطعه ماهی صید نموده به نظر کیمیا اثر رسانید.» (وحید قزوینی، ۱۳۸۳: ۷۵۳-۷۵۴)

۳. سنت شکار ماهی در دوره صفویه

شکار و صید ماهی یکی از سنت‌ها و تفریحات شاهان صفوی بود که از دوره شاه اسماعیل اول در میان آنها باب شد و برخی از شاهان صفوی حتی روزهای زیادی را در شرایط مختلف به این امر اختصاص می‌دادند. اولین بار روملو در احسن‌التواریخ به سنت شکار ماهی توسط شاه اسماعیل در سال ۹۰۵هـ ق یعنی دو سال قبل از تأسیس سلسله‌ی صفویه اشاره می‌کند:

اکثر اوقات خاقان عالی‌جاه به شکار ماهی اشتغال می‌فرمود. در آن اثنا سلطان علی‌بیک جاگیرلو کس نزد والده میرزا محمد فرستاد [او را به مواعید بی‌کران مستظهر ساخته استدعا نمود] که به هر نوع که داند خاقان اسکندرشان را که در کنار [دریابار] به شکار ماهی مشغول باشد به دریا اندازد (روملو، ۱۳۵۷: ۴۳/۱؛ واله قزوینی، ۱۳۷۲: ۸۱-۸۲)

این نوشته روملو حکایت از آن دارد که شاه اسماعیل در سال‌هایی که قبل از سلطنت در گیلان اقامت داشته به خاطر دست‌رسی به رودخانه‌ها و دریا به شکار ماهی علاقه‌مند شده و حتی آن‌قدر به این امر مشغول می‌شده که ترکمانان آق‌قویونلو نقشه‌ای را برای قتلش در این حین طراحی کرده بودند. خواندمیر با ادبیاتی جالب ماه حوت [ماهی] را با شکار آن بوسیله شاه اسماعیل یکی می‌کند و این‌گونه به ذکر این سنت در زمانی که این شاه صفوی در حوالی نخجوان حضور داشته، اشاره می‌کند:

چون خورشید بلند محل از منزل حوت به عزم صید حمل علم توجه برافراخت و [...] پادشاه کیوان مکان از نخجوان در حرکت آمده روزی چند بیلاق نضارت آثار ایقار را از پرتو نزول همایون طراوت سپهر بوقلمون کرامت فرمود آنگاه به فضای روح افزای سورلوق شتافت و از آنجا عنان عزیمت به رودخانه تلوار تافته مدت یک ماه در آن منزل به صید ماهی پرداخت. (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۵۵۸/۴؛ جنابدی، ۱۳۷۸: ۳۰۳ و نک: قمی، ۱۳۸۳: ۱۳۹/۱-۱۴۰)

امینی هروی نیز در یک مثنوی و با استفاده از صنایع ادبی به ذکر شکار ماهی در پشته-های فراوان توسط شاه اسماعیل در حین لشکرکشی‌هایش اشاره می‌کند. (امینی هروی، ۱۳۸۳: ۲۶۲)

شاه اسماعیل که پس از شکست در جنگ چالدران به شخصی راحت‌طلب تبدیل شد و بیشتر به می‌گساری و تفریح می‌پرداخت، زمان بیشتری را هم به شکار ماهی اختصاص می‌داد. چنان‌که از نوشته‌های واله قزوینی بر می‌آید؛ شاه اسماعیل حتی چند فصل از سال را به شکار ماهی اختصاص می‌داده و

پیوسته شهریار ربع مسکون نشاط صید و شکار را پیشنهاد خاطر همایون داشت [...] و چون فصل بهار و تابستان در نشاط صید و شکار بیلاق سورلوق و آقار و شکار ماهی رودخانه تلوار به پایان رسید به عزم قشلاق متوجه دارالمؤمنین قم گردید. (واله قزوینی، ۱۳۷۲: ۲۷۱)

برخی مورخان دیگر نیز به شکار ماهی توسط شاه اسماعیل در سال ۹۲۶هـ.ق در نواحی همدان این چنین اشاره می‌کنند: «موکب نصرت‌نشان از النک همدان به رودخانه تلوار شتافته جهت شکار ماهی چند روزی آنجا توقف افتاد.» (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۵۶۸/۴) و «به تقریب صید ماهی در ساحل آن رود، دام خوشدلی گسترده [...] و بعد از فراغ از نشاط شکار ماهی، موکب جلال شاهنشاهی به صوب صواب مراغه راهی گشته.» (واله قزوینی، ۱۳۷۲: ۲۷۷ و نک: ۲۷۴) و «خسرو کامکار [...] تمامی راه به شغل صید و شکار بگذرانید.» (جنابدی، ۱۳۷۸: ۳۱۵) تمام این نوشته‌ها حکایت از آن دارد که رودخانه تلوار که امروز در استان کردستان قرار دارد از رودخانه‌های محبوب شاه اسماعیل برای صید ماهی بوده که وی ماهها در آنجا به شکار ماهی مشغول می‌شده است.

با وجود این‌که خود شاه طهماسب در تذکره‌اش یک بار به شکار ماهی برای خوردن اشاره می‌کند، (شاه طهماسب، ۱۳۴۳: ۵۷) اما روملو مورخ معروف و قورچی دوره او که شاهد وقایع دوران کوتاه سلطنت شاه اسماعیل دوم نیز بود، هیچ اشاره‌ای به شکار ماهی توسط این دو شاه صفوی نمی‌کند. برخلاف روملو، بدلیسی از دیگر مورخان و امراء زمان شاه طهماسب در ذکر بیان وقایع سال ۹۶۹هـ.ق به شکار ماهی توسط این شاه صفوی چنین اشاره می‌کند: «درین سال شاه طهماسب به طریق سیر و شکار از قزوین به جانب طارم رفته در نواحی خرزویل که التقاء رودخانه سفیدرود و شاهرود است چند روز رحل اقامت انداخته به صید ماهی مشغولی کرده به قزوین معاودت کرد.» (بدلیسی، ۱۳۷۷: ۲/۲۱۷) شاه طهماسب حتی در بحبوه لشکرکشی‌های چهارگانه سلطان سلیمان عثمانی نیز از شکار ماهی فراغت نمی‌یافت. چنان‌که منشی قزوینی در حین اشاره به اولین لشکرکشی عثمانی‌ها می‌نویسد: «[...] خواندگار به جانب اخلاط رفت و نواب اعلی از عقب می‌رفتند. در اول، بهرام میرزا سرکرده شد و با امراء رفت و شاه دین پناه به قرانقو دره رفتند که شکار ماهی کنند.» (منشی قزوینی، ۱۳۸۷: ۱۷۵ و نک: حسینی استرآبادی، ۱۳۶۶: ۶۴)

برخلاف شاه محمد خدابنده که یحتمل ضعف بصر او را از پرداختن به این سنت محروم نموده بود، اما پسرش شاه عباس اول به شکار ماهی بسیار علاقه‌مند بود. چنان‌که بنابر گزارش منابع هوس وی برای شکار ماهی در حین لشکرکشی به شروان در سال ۱۰۱۵هـ.ق سبب شد تا به شکار ماهی در رود ارس بپردازد. (ترکمان، ۱۳۸۲: ۷۲۳/۲) این شاه صفوی هر وقت در کنار دریا یا رودخانه‌ای هم‌چون نواحی مازندران و گیلان اردو می‌زد، به شکار و صید ماهی مشغول می‌شد. چنان‌که در سال ۱۰۲۳هـ.ق در امیرجه کلایه رستم‌دار

در یک صید و به یک دام ۳۵ هزار ماهی گرفت. (فلسفی، ۱۳۴۷: ۳۰۳) شاه صفی و شاه عباس دوم نیز در برخی مواقع به شکار ماهی می‌پرداختند. برخی منابع به شکار ماهی توسط شاه صفی در بیلاقات سهند در سال ۱۰۴۴هـ.ق (وحید قزوینی، ۱۳۸۳: ۲۶۱) و تجنه-رود در نزدیکی فرح‌آباد اشاره می‌کنند. (وحید قزوینی، ۱۳۸۳: ۳۰۰؛ واله قزوینی، ۱۳۸۲: ۲۹۹) شاه عباس دوم شاید جز اخلاف شاه اسماعیل بود که هم‌چون او علاقه خاصی به شکار ماهی در شرایط مختلف داشت. در جای‌جای تاریخ جهان‌آرای عباسی به شکار ماهی توسط این شاه صفوی اشاره شده است. چنان‌که شاه عباس دوم مهارت خود در شکار حوض ماهی با تفنگ را هنگام حضور جان نثارخان و ارسلان بیگ، ایلچیان هندوستان به اثبات رساند و مسیبات حیرت و تحسین آنها را فراهم آورد. (وحید قزوینی، ۱۳۸۳: ۴۳۲) در پایان این مبحث لازم به ذکر است که بررسی منابع در دوره صفوی حکایت از آن دارد که در زمان دو شاه آخر صفوی برخلاف اسلاف‌شان سنت شکار ماهی مورد توجه نبوده است.

۴. جایگاه ماهی در درآمد دولت و تغذیه مردم

ماهی در عصر صفوی هم جزئی از قوت مردم در برخی نواحی و هم منبع درآمد عظیمی برای دولت بود. اولناریوس عواید ماهی برای شاه صفوی از رودخانه‌های گیلان را ۲۵ هزار تالر تخمین می‌زند که این مبلغ برابر با نصف ۵۰ هزار تالر درآمدی بود که دولت صفوی از کاروان‌سراها بدست می‌آورد. (اولناریوس، ۱۳۸۵: ۳۲۱-۳۲۲) این امر نشان می‌دهد که با احتساب عواید ماهی در دیگر مناطق، صفویان می‌توانستند درآمدهای زیادی از این راه کسب کنند. هم‌چنین نوشته‌های این سیاح و منشی سفارت دو هلشتاین حکایت از آن دارد که در دوره صفویه، رودخانه‌های منتهی به دریای خزر را که ماهی فراوانی ر آنها وجود داشت را به ماهی‌گیران اجاره می‌دادند. به طوری که از محل این اجاره‌بها، درآمد سرشاری برای شاه صفوی فراهم می‌شد. اما گاه به علت محدودیت صید ماهی، صیادان دچار زیان می‌شدند و از عهده پرداخت اجاره‌بهاها برنمی‌آمدند. برای نمونه در شهر کسکر مردی بنام شمسی پنج رودخانه را به مبلغ هشت هزار تالر کرایه کرده بود اما به علت محدودیت صید در آن سال دو هزار تالر نیز ضرر کرد. مدت اجاره رودخانه‌ها از اول ماه میلادی سپتامبر تا ماه آوریل - از اول ماه محرم تا شعبان - بود. در این ایام مسیر رودخانه را در فاصله‌ای معین از دریا با تخته‌های باریک یا الوار مسدود می‌کردند و در این محدوده کسی جز عوامل

مستأجر اجازه ماهی گیری نداشت. در خارج از این محدوده و یا در ایامی که زمان اجاره به پایان رسیده بود، هرکس می توانست در رودخانه ها صید کند. (اولتاریوس، ۱۳۸۵: ۴۱) این درحالی است که سانسون که سال ها بعد از اولتاریوس وارد قلمرو صفویان در دوره شاه سلیمان می شود، از عوایدی که از صید ماهی در گیلان نصیب شاه صفوی می شود، ابراز بی اطلاعی می کند. (سانسون، ۱۳۶۶: ۱۳۵) شخص بصیر و دقیقی چون شاردن نیز هم چنان که گفته آمد تنها به ذکر انواع ماهی ها و صدور ماهی های دریای خزر به دیگر مکان ها می پردازد و هیچ اشاره ای به درآمد دولت از بابت رودخانه ها نمی کند.

فیگوروا که در زمان شاه عباس وارد اصفهان شد، در هنگام اشاره به یک نوبت اقامت چهل روزه در این شهر می نویسد: «توقف ما در اصفهان چهل روز به طول انجامید و قسمتی از ایام پرهیز^۱ را در برگرفت، هر روز از ماهی آزاد نمک سودی که از گیلان، واقع در ساحل دریای خزر می آوردند، می خوردیم.» (فیگوروا، ۱۳۶۳: ۳۲۳) این گزارش نشان می دهد که بی جهت نیست که سال ها بعد واله قزوینی ماهی را در کنار مرغ، نارنج و امثال آن از ارمغان های گیلان ذکر می کند. (واله قزوینی، ۱۳۷۲: ۷۶) از نوشته های فیگوروا چنین بر می آید که ماهی نمک سود بخشی از تنوع غذایی سفره مردم در اصفهان را تشکیل می داده است. شاردن نیز به وجود هر دو نوع ماهی نمک سود دریای خزر و خلیج فارس در اصفهان اشاره می کند. (شاردن، ۱۳۷۲: ۱۳۵۹/۴) البته شاردن علاوه بر نمک سود کردن به روش دیگری چون خشک کردن برخی ماهی ها در مجاورت حرارت خورشید یا دود برای حفظ طولانی مدت در سواحل خلیج فارس اشاره می کند. (شاردن، ۱۳۷۲: ۷۵۸/۲) هم چنین از نوشته های فیگوروا که می نویسد با وجود این که اهالی فارس علاقه زیادی به تفریح صید ماهی ندارند در رودخانه ی بند امیر ماهی های مرغوب و لذیذ فراوان وجود دارد، چنین بر می آید که مصرف ماهی در سفره مردم در فارس نیز نقش کمی داشته است. (فیگوروا، ۱۳۶۳: ۱۶۷)

از نوشته های شاردن نیز که در مورد سفره غذایی مردم و جایگاه ماهی در آن است، چنین بر می آید که گوشت مورد مصرف ایرانیان معمولاً گوشت بره و بزغاله، خروس، مرغ و جوجه است. در حالی که ممکن است بعضی از مردم در جشن ها و مهمانی های بزرگ از گوشت ماهی در کنار گوشت شکار و کبوتر نیز استفاده کنند. اما خوراکی هایی که با این گوشت ها درست می شوند، بیشتر بر سر سفره پادشاه، درباریان، اعیان و اشراف دیده می شود و دیگران از خوردن این نوع گوشت ها خیلی استقبال نمی کنند. مردم فقیر و نادر

مناطق سرد کشور در فصل زمستان گاهی گوشت گاو و گوساله می‌پزند و می‌خورند و در کل ایرانیان گوشت گوسفند را از هر نوع گوشت دیگر خوب و بهتر می‌دانند زیرا معتقدند که گوسفند دارای هیچ عادت و صفت بدی نیست که از راه مصرف گوشتش به انسان منتقل گردد. (شاردن، ۱۳۷۲: ۸۳۲/۲ و نک: ۸۲۰/۲) در واقع از نوشته‌های شاردن چنین مستفاد می‌شود که گوشت ماهی جایگاه کمی در سفره غذایی مردم داشته و ذائقه ما ایرانیان از قدیم الایام تاکنون هم‌چنان گوشت قرمز بوده و گوشت سفید هم‌چون ماهی کمتر مورد توجه بوده است. این که شاردن گوشت ماهی را مخصوص جشن‌ها و مهمانی‌های بزرگ می‌داند، قانونی کلی نبوده و چنان‌که از نوشته‌های فیگوئروا برمی‌آید در برخی جاها هم‌چون منطقه کجی در نزدیکی لار، مردم فقیر البته اگر به دریا دسترسی داشتند از ماهی اعاشه می‌کنند. (فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۴۰۱) در قفقاز جنوبی که موطن آرامنه، گرجی‌ها و چرکسی‌های قلمرو صفویان بود، مردم در تمام فصول سال به خاطر نزدیکی به دریای خزر و جاری و ساری بودن رودهای بزرگ گُر و ارس انواع ماهی از قزل‌آلا تا گونه‌های دیگر را صید می‌کردند و از آنها حداکثر استفاده را می‌نمودند. (شاردن، ۱۳۷۲: ۳۳۱/۱ و ۴۰۳) تاورنیه نیز به ماهی کپور، اردک‌ماهی و قزل‌آلاها در رود ارس و گونه‌ای ماهی ریش‌دار در رودهای دیگر و نوعی ماهی پر تیغ در قنات‌ها که بدترین نوع ماهی برای خوردن است، اشاره می‌کند. (تارونیه، ۱۳۸۹: ۲۷)

با وجود این که شاردن به عنوان بصیرترین سفرنامه نویسنده دوره صفوی به مقدار مصرف برنامه‌ریزی شده‌ی گوشت در مطبخ پادشاه؛ ظهرها چهار بره و سی مرغ و برای شب نیم آن اشاره می‌کند، اما در مورد میزان طبخ گوشت پرندگان و شکار و ماهی آمار دقیقی ارائه نمی‌کند. (شاردن، ۱۳۷۲: ۱۲۱۸/۳) امری که حکایت از آن دارد که مصرف گوشت ماهی حتی در دربار نیز چندان با استقبال مواجه نبوده است. هرچند همو به صرف گوشت ماهی به صورت پخته و یا نمک‌سود به همراه پلو به عنوان یکی از غذاهای محبوب ایرانیان اشاره می‌کند. (شاردن، ۱۳۷۲: ۸۳۶/۲) شاردن در جایی دیگر از ماهی خشک یا دودی به عنوان گونه‌ای چاشنی نام می‌برد که جزء خوراک‌ها و غذاهای اصلی نیست و برای تحریک اشتها از آن استفاده می‌شود. (شاردن، ۱۳۷۲: ۱۲۹۰/۳) البته در برخی نواحی هم‌چون سواحل خلیج فارس و بنداری چون بندرعباس از ماهی و خرما که قسمت عمده آنها در باد خشک شده است به عنوان قوت غالب مردم یاد می‌شود. (تارونیه، ۱۳۸۹: ۳۷۰) در همین نواحی حتی از ماهی خشک برای تغذیه شتر و خر نیز استفاده می‌کردند. (شاردن، ۱۳۷۲: ۷۴۵/۲)

اهمیت و نقش ماهی در تاریخ اجتماعی و اقتصادی عصر صفوی ۱۳

در بندرعباس حتی سر، دل و روده ماهی را با هسته خرما در آب نیمه شور می‌جوشانند و هر شب به گاوهایشان که از صحرا برگشته و جز خس و خار نخورده بودند، می‌دادند. (تارونیه، ۱۳۸۹: ۳۷۰)

۵. نقش ماهی در فرش صفوی

فرش‌بافی با این‌که ریشه‌ای کهن در تاریخ ایران داشت و از موارث مهم هنر و تمدن آن بود، در زمان صفویان از سطح یک صنعت روستایی به فعالیتی ملی در سطح کشور ارتقاء یافت و به صورت بخشی مهم از اقتصاد کشور درآمد. نخستین کارگاه‌های قالی‌بافی نیز در زمان شاه عباس اول در اصفهان و کاشان برپا گردید. (سیوری، ۱۳۸۲: ۱۳۲ و ۱۳۵) در این دوره دیگر طرح‌های روی فرش‌ها همانند قرون گذشته که قالب‌های انسانی بر آنان نقش می‌بست، متأثر از آثار نقاشان مینیاتور نبود و بلکه فرش‌ها اکثراً گل‌دار بودند و از لحاظ الگو و نقشه نیز اختلاف‌های زیادی وجود داشت. (بلو، ۱۳۹۶: ۳۳۳) با فراهم شدن این زمینه‌ها هنر فرش و قالی نیز از جمله دیگر هنرهایی بود که بیشتر از گذشته به اوج و ترقی خود رسید و به دلیل این‌که از قالی‌های دوره تیموری که تکامل آن بر پایه تکامل نگارگری ایران بود، چیزی برای مقایسه وجود نداشت، برخی را بر آن داشت تا زیباترین قالی‌های ایران را از آن دوره صفوی (اشپوهرلر، ۱۳۸۰: ۳۷۳) و بهترین فرش‌های جهان را از لحاظ طرح، رنگ و کیفیت ایرانی بدانند. (بیکر، ۱۳۸۸: ۱۵۲) در واقع با این پیشرفت‌ها که در عرصه فرش‌بافی رخ داد، فرش‌بافان هنرمند صفوی نیز با ظرافت و زیبایی تمام نقش ماهی را در کنار دیگر نقش‌ها بر روی تار و پود فرش‌ها پیاده کردند.

علی‌رغم تنوع قالی‌های مشهور به «ماهی درهم» که عمدتاً بعد از دوران صفویه متداول شدند، تعداد قالی‌های صفویه که حاوی نقش‌مایه ماهی با فرم طبیعت‌گونه باشند، محدود و یا حداقل تصاویر آنها به شکل اندک در دسترس قرار دارند. در نگاه کلی به منظور پی‌بردن به مفاهیم نقش‌مایه ماهی در قالی‌ها، توجه به کلیت طرح قالی و جایگاه و موقعیت قرارگیری نقش‌مایه و در نهایت فرم نقش‌مایه حائز اهمیت است. در گروهی از قالی‌های دوره صفوی، نقش‌مایه ماهی درون طرح لچک ترنج واقع شده که از رایج‌ترین و پرکاربردترین طرح‌ها در قالی‌ها بوده و هم‌چنان نیز هست. در فرش نقش شکارگاه میلان مربوط به دوره شاه طهماسب اول نقش‌مایه دو ماهی روبه‌روی هم با دم‌های متصل به همراه دو مرغابی در کتیبه‌ای به ترنج متصل شده است، [تصویر ۱] دیده می‌شود. در این

نقش مایه در واقع ماهی نماد زمین است. در قالی معروف به چلسی حوض حاوی هشت ماهی قرمز رنگ [تصویر ۲] در مرکز قالی قرار دارد و دو ترنج کامل در بالا و پائین دو نیم ترنج در طرفین، آن را احاطه کرده‌اند و [...] یک گروه دیگر از قالی‌های دوره صفویه که حاوی نقش مایه ماهی هستند، به طرح باغی^۲ مشهور [تصویر ۳] است. در ساختار همگی آنها فضای طرح توسط نهرهای آب تقسیم‌بندی شده است. این تصویر و ترسیم باغ، ملهم از بهشت با نهرهای چهارگانه‌اش می‌باشد. در این نهرها سیزده ماهی شناور در نهرها می‌توانند نماد انسان‌های بهشتی و کامل یا اولیاءالله و پیامبران باشند. در طرح باغی هرگاه ماهی درون حوضی قرار داشته باشد، تداعی کننده حوض کوثر در بهشت است. (صباغ‌پور و شایسته‌فر، ۱۳۸۸: ۳۴-۴۹) قالی‌های «گروه سانگوشکو» که متعلق به شاهزاده رومی به نام سانگوشکو (اشپوهر، ۱۳۸۰: ۳۸۶) و در موزه‌ای به نام وی نگهداری می‌شود، نیز از جمله قالی‌های هستند که نقش ماهی بزرگ و طلایی رنگی با خال‌های قرمز [تصویر شماره ۴] در برخی از آنها دیده می‌شود. از دیگر گروه‌های قالی، «قالی‌های پرتقالی» است که یا به سبب صحنه‌های مارپیچی که ورود سفیر پرتقال به خلیج فارس را تعبیر و توجیه می‌کند و یا به سبب این‌که برای پرتقالی‌های بندر گوا تولید شده‌اند به این نام معروف بوده‌اند، نیز از جمله دیگر قالی‌هایی هستند که در زمینه‌ی آن به همراه دیگر نقوش، نقش چند ماهی در کنار سر یک هیولای دریایی دیده می‌شود. (اشپوهر، ۱۳۸۰: ۳۹۰) در دیگر فرش‌های موجود در موزه‌های دنیا نیز نقش ماهی به همراه دیگر نقوش، انسانی، جانوری، گیاهی و... دیده می‌شود. در واقع ریشه طرح‌ها و نقشه‌های فرش دوران صفوی را که ماهی به همراه دیگر نقوش فوق‌الذکر یکی از بخش‌های آنها بود و عمدتاً در کارگاه‌های سلطنتی بافته می‌شد و یا طرح آنها در نقاشی‌خانه دربار یا توسط طراحان مرتبط با دربار تهیه می‌گردید؛ می‌بایست در فرهنگ تشیع، تصوف و در فرهنگ ایران باستان در یک هم‌گرایی و توافق با محوریت اسلام جستجو نمود. (چیت‌سازان، ۱۳۸۵: ۴۷) فی‌المثل نقش مایه دو ماهی روبه‌روی هم با دُم‌های متصل به همراه دو مرغابی در فرش نقش شکارگاه حکایت از آن ماهی دارد که نماد زمین در ایران باستان بوده است. ازیرا که ایرانیان باستان بر این اعتقاد بودند که جهان بر پشت ماهی‌ای است و این اعتقاد و باور آن‌چنان در اذهان جایگاه محکم و پر رنگی داشته که بسیاری شاعران چون حکیم ابوالقاسم فردوسی و مسعود سعد سلمان و دیگر شاعران در طول تاریخ در اشعار خود آن را انعکاس داده و از عبارت «از ماه تا ماهی» یا «ماهی

زمین» استفاده کرده‌اند. (صباغ‌پور و شایسته‌فر، ۱۳۸۸: ۳۲-۳۳) و به همین شیوه می‌توان نقش گونه‌های ماهی را در فرش‌های صفوی رمزگشایی نمود.

۶. نقش ماهی در سکه‌های صفوی

در دوره صفوی سه نوع سکه؛ طلا که به آن اشرفی گفته می‌شد، نقره که به انواعی هم‌چون عباسی، شاهی، محمودی و بیستی تقسیم می‌شد و سرانجام سکه‌های مسی یا فلوس که در برخی منابع عصر صفوی از این نوع سکه به عناوین غازبکی، غازه، قازبگی، قزبیک، مسکوک یا پول سیاه و پیشیز یاده شده است. برخلاف سکه‌های نقره که همه جا یک قیمت داشتند و ارزش آنها تغییر نمی‌کرد، سکه‌های مسی ایالات با یکدیگر فرق داشتند و سکه مسی یک ایالت هر چقدر بزرگ و سنگین هم که می‌بود، باز هم در جاهای دیگر آن ارزش را نداشت و خرج نمی‌شد مگر این‌که آن را به نصف قیمت بر می‌داشتند. (دلاواله، ۱۳۸۴: ۱۲۹ و نک: کارری، ۱۳۴۸: ۱۷۵) اولناریوس نیز ضمن تأیید نوشته‌های دلاواله، اعتبار سکه‌های مسی را فقط برای یک‌سال ذکر می‌کند چرا که با تغییر نقش روی سکه در هر سال سکه قبلی ارزش خود را از دست می‌داد. او در ادامه می‌نویسد:

این نقوش و نشانه‌ها عبارتست از گوزن، بز کوهی یا کل، اهریمن، ماهی، مار و از این قبیل، زمانی که در شماخی بودیم یک شیطانک، در کاشان یک خروس، در اصفهان یک شیر نر و در گیلان یک ماهی بر روی سکه نقش کرده بودند. (اولناریوس، ۱۳۸۵: ۲۴۵)

در واقع در دوران اسلامی و تا قبل از دوره صفویه نشان غالب، شیر و خورشید و دیگر جانورانی بود که به عنوان توت‌م برخی سلسله‌ها در کنار بروج دوازده‌گانه بر روی انواع سکه‌ها هم‌چون سکه‌های فلوس و نقره ضرب می‌شدند. در واقع در بین سکه‌ها، فلوس‌ها در استفاده از نقش مایه‌ها بسیار متنوع‌اند به این دلیل که از سوی حکام در ضراب‌خانه‌های محلی ضرب می‌شدند و بیشتر بازتابنده‌ی عقاید و باورهای عامیانه‌ی جامعه بودند. با استقرار سلسله صفوی و گسترش جنبش‌های جدید فکری و هنری، تصویرسازی که تا قبل از آن تنها به بهانه‌ی مصور کردن اشعار و داستان‌ها خلق می‌شد و اندازه آن از قطع کتاب‌ها تجاوز نمی‌کرد، تحولات تازه‌ای پیدا کرد و به تدریج تصاویر جانوران خوش‌یمن هم‌چون

ماهی، اسب، مرغ و شیر برای آرایش اشیاء هم‌چون سکه‌ها مورد استفاده قرار گرفت. (پاشایی، ۱۳۹۳: ۱۲۱۱-۱۲۲)

هم‌چنین براساس گفته‌های کارری، سکه‌های فلوس معمولاً گرد و دایره‌ای بودند و به ندرت فلوس بیضی شکل نیز دیده می‌شد. (کارری، ۱۳۴۸: ۱۵۶) علاوه بر نوشته‌های اولئاریوس در مورد سکه‌های فلوس دوره صفوی، جستجو در موزه‌ها و کلکسیون شخصی افراد و کتاب‌های سکه‌شناسی نشان داد که بر روی سکه‌های شهرهای مختلف اشکال گوناگونی از ماهی به تنهایی یا ماهی به همراه حیوانی دیگر و یا به همراه یک گل-گل نیلوفر- یا میوه یک درخت-کاج- نقر شده است. در همدان، [تصویر ۵ و ۶] دزفول، [تصویر ۷] شوشتر، [تصویر ۸] اردبیل، [تصویر ۹ و ۱۰] رشت، [تصویر ۱۱] خوی، [تصویر ۱۲] شیراز [تصویر ۱۳] ایروان، [تصویر ۱۴] تفلیس، [تصویر ۱۵] نخجوان [تصویر ۱۶] عصر صفوی و احتمال در دیگر نواحی ایران که سکه‌های فلوس با نقش ماهی ضرب می‌کرده‌اند و دسترسی به آنها مقدور و میسر نگردید، این نقش بر روی سکه‌ها نقر شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که اکثر شهرهای فوق‌الذکر یا در کنار و یا در حاشیه رودخانه‌های بزرگ قرار داشته‌اند و یا رودخانه‌ای بزرگ از میان آنها می‌گذشته است. فی‌المثل رود دز از میان شهر دزفول می‌گذرد و کرخه نیز در نزدیکی آن قرار داد و شوشتر که در محل گذر رودخانه‌های بزرگ کارون و دز است. شهر تفلیس که در دو طرف حاشیه رودخانه بزرگ گر بنا شده است. در اردبیل نیز رودخانه‌هایی جاری بوده‌اند چنان‌که شاردن به جاری بودن رود قزل‌اوزن در این شهر اشاره می‌کند (شاردن، ۱۳۷۲: ۴۹۹/۲) و رودهای دیگری که از قدیم‌الایام در این شهر جریان داشته هم‌چون بالیقلو چای یا رودخانه ماهی‌دار که در دوره صفویه پل هفت‌چشمه بری روی آن احداث شده است. بدلیسی مورخ و از امرای دوره شاه طهماسب در کتابش شرفنامه به رودخانه‌ای به نام خوی در شهر خوی اشاره می‌کند (بدلیسی، ۱۳۷۷: ۱۲۱/۲) و امروزه نیز قُطور چای از رودخانه‌های بزرگ این شهر است. شاردن نیز به وجود دو رود در کنار شهر ایروان و هم‌چنین دریاچه‌ای به نام دریاچه ایروان که ارمنی‌ها آن را کیاگار کونیسو می‌نامند، اشاره می‌کند. شهری که امروزه نیز در امتداد رود هرازدان بزرگ‌ترین رود ارمنستان قرار دارد. شهر نخجوان نیز در کنار رود بزرگ ارس قرار داشت و امروز نیز حدود ۴۰۰ رودخانه بزرگ و کوچک را برای آن ذکر می‌کنند. در رشت نیز از قدیم‌الایام رودخانه‌های زیادی هم‌چون سفیدرود جاری و ساری بوده‌اند. در واقع مکان‌یابی این شهرها و وجود رودخانه‌هایی که به

ذکر نام آنها پرداخته شد، در نگاه اول می‌تواند دلیل مهمی بر علل نقر نقش ماهی در سکه‌های فلوس ضرب شده در این شهرها که یحتمل به خاطر شکرگزاری و قدردانی از طبیعت و رودخانه‌هایش به خاطر نعمات وافر آن یعنی انواع ماهی می‌باشد. هم‌چنین اشکال گوناگون ماهی‌های روی سکه‌ها نشان از تنوع آنها در مناطق مختلف دارد. در برخی از این فلوس‌ها حتی نقش گاو بر روی یک ماهی نقر شده است و این مسئله به باور مردم در اساطیر و افسانه‌های ایرانی باز می‌گردد که زمین روی شاخ گاوی قرار دارد و گاو بر پشت ماهی بزرگی ایستاده است. هرگاه این گاو خسته می‌شود، زمین را از شاخی به شاخی دیگر می‌افکند و این چنین زمین‌لرزه رخ می‌دهد است. در برخی دیگر از این سکه‌ها نیز نقش مایه‌ی دو ماهی که سر و دم آنها به هم چسبیده است، نقر شده که این امر نیز می‌تواند دلیل بر اعتقاد مردم به پیدایش زمین بر روی ماهی باشد. چنان‌که مسعودی در مروج الذهب در باب آغاز و کار خلقت جهان به این قضیه چنین اشاره کرده است:

نخستین چیزی که خدا آفرید، آب بود و عرش وی بر آب بود و [...] آن‌گاه آب را بخشکانید و آن را یک زمین کرد و زمین را بشکافت و هفت زمین کرد به دو روز یکشنبه و دوشنبه. و زمین را بر ماهی آفرید و ماهی همانست که خدای سبحان به قرآن در گفتار والای خویش یاده کرده که ن و القلم ما یسطرون، و ماهی در آب بود و آب بر تخته سنگ بود و [...] بود. پس ماهی بجنید و زمین بلرزد و خداوند کوه‌ها را در آن استوار کرد و زمین آرام یافت. (مسعودی، ۱۳۸۲: ۱۹/۱ و نک: بهار، ۱۳۷۵: ۱۶۴)

علاوه بر این در طلسم، ماهی از موضوع‌های دلخواه ایرانیان است و نماد روانی و پاکی می‌باشد. وجود یک ماهی با نوشته‌های طلسمی نیز از قرون گذشته نشان می‌دهد این شکل از دیرباز کاربرد طلسمی داشته است (پاشایی، ۱۳۹۳: ۱۱۰-۱۱۱) و یحتمل شاید به همین خاطر این عامل نیز یکی دیگر از دلایل نقر شکل ماهی بر روی سکه‌های فلوس صفوی برای طلسم‌گشایی بوده است. هم‌چنین از آنجا که هر ساله و براساس گاه‌شماری ایرانی می‌بایست یکی از ماه‌های سال به نام یکی از این بروج نام‌گذاری شود، از این رو در ماه اسفند که معادل با برج حوت [ماهی] بود، نقش این جانور آبی بر روی سکه‌های برخی از شهرها که به ذکر نام آنها پرداخته شد و به رودخانه و ماهی دسترسی داشتند، نقر می‌شد و این‌گونه نوروز را نیز گرامی می‌داشتند.

۷. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به گواه منابع تاریخی دوره صفوی نشان داد که از همان دوره متواری بودن شاه اسماعیل در گیلان، سنت و رسمی به نام شکار ماهی توسط وی پایه‌گذاری می‌شود که بعدها با تأسیس سلسله صفویان بدست همو این سنت باب می‌شود و هم شاه اسماعیل در دوران سلطنتش و هم جانشینانش در موقعیت‌های گوناگون به این سنت به عنوان بخشی از سرگرمی و تفریح خود در زمان‌های مختلف مشغول می‌شده‌اند. ماهی هم‌چنین به عنوان یک جانور آبی نقش نسبتاً مهمی در تاریخ اجتماعی و اقتصادی دوره صفویه داشت هم به عنوان بخشی از سفره غذایی اقشاری از مردم در بخش‌هایی از قلمرو شاهان صفوی و هم به عنوان تأمین‌کننده بخش مهمی از درآمد دولت معادل با نیمی از درآمدی بود که شاهان صفوی از اجاره‌بهای کاروان‌سراها بدست می‌آوردند. این مسئله و توصیفات که سیاحان اروپایی در مورد کیفیت گوشت ماهی‌های ایرانی می‌کنند، حکایت از آن دارد که اگر صفویان می‌توانستند شیلات را هم‌چون ابریشم مدیریت کنند، مطمئناً درآمد زیادی برای آنان به بار می‌آورد. البته با این‌که تنوع ماهی در قلمرو صفویان و لذیذ بودن گوشت برخی از انواع آنها توجه برخی از سفرا و سیاحان اروپایی را به خود متوجه ساخته بود، اما ماهی نقش کمی در تغذیه مردم و حتی آشپزخانه شاهان صفوی داشت. ازیرا که بیشتر از آن به عنوان یک وعده غذایی در جشن‌ها و هم‌چنین چاشنی و اشتهاآور بر روی سفره‌ها استفاده می‌شده است. در واقع چنان‌که گفته آمد، در این دوره تاریخی هم‌چون امروز، اساس ذائقه ایرانی بیشتر بر استفاده از گوشت قرمز یعنی گوشت گوسفند و بز و کمتر استفاده از انواع گوشت سفید، هم‌چون ماهی بوده است. در این دوره حتی نقش ماهی به عنوان یک نماد رمزی و اساطیری در افسانه‌های ایرانی هم بر روی فرش دست‌باف صفوی و هم بر روی بخشی از سکه‌های آنها نمایان می‌شود. به طوری که در برخی گونه‌های معروف فرش صفوی که امروز در موزه‌های خارج از ایران نگهداری می‌شوند، انواع اشکال ماهی مزین‌کننده فرش ایرانی است. هم‌چنین نقش ماهی بر روی سکه‌های فلوس یا مسی که در ضراب‌خانه‌های محلی توسط حاکمان ایالات صفوی ضرب می‌شده‌اند، برخلاف سکه‌های طلا و نقره صفویان که ارزش مالی بیشتری داشتند و فاقد این نقش‌های جانوری از این دست بودند، سبب زیبایی بصری خاص و بالا بردن ارزش معنوی این سکه‌ها با وجود ارزش مالی کم و نام مصطلح آن یعنی غاز، پول‌سیاه، پیشیز و.. می‌شده است. علاوه بر این مسائل، مکان‌یابی محل ضرب سکه‌های فلوس منقوش به شکل ماهی حکایت از آن دارد

که این سکه‌ها غالباً در مکان‌هایی ضرب شده‌اند که به رودخانه و دریاچه‌های قابل ماهی - گیری دسترسی داشته‌اند. هم‌چنین در پایان لازم به ذکر است که نقش ماهی در هر دو مورد فرش و سکه، القاء کننده برخی باورهای قدیمی ایرانیان در مورد داستان آفرینش و خلقت هستی، حس سرزندگی و نشاط که ماهی یکی از ضرب‌المثل‌های بارز در این زمینه است و مسائلی از این دست می‌باشد.

پی‌نوشت‌ها

۱. ایام روزه نصارا یا ترسایان

۲. اشپوهلر خاستگاه فرش باغی را شمال غرب ایران و قفقاز (اشپوهلر، ۱۳۸۰: ۳۸۹) ذکر می‌کند. در سایت «اطلاع رسانی فرش ایران» نام دیگر این فرش واگنر ذکر شده که یکی از سه فرش مهم باغ بهشت در سراسر جهان می‌باشد. نمونه‌ای از باغ بهشت در جیپور هند وجود دارد و از قالی واگنر بزرگ‌تر است. نمونه دیگری نیز در موزه هنرهای تزئینی شهر وین موجود است. این فرش متعلق به دوره صفویه و در کرمان بافته شده است. واگنر که تاجری آلمانی بوده برای نخستین بار این فرش را در استانبول عثمانی خرید و به اروپای غربی می‌برد و پس از آن، جان هولمز؛ بورس باز اسکاتلندی آن را برای خانه‌ای به نام فورماکینگ که در حال ساخت بود از واگنر می‌خرد اما پس از مدتی ورشکست می‌شود و سِر ویلیام بورل، مجموعه‌دار انگلیسی این فرش را در حراج اموال جان هولمز می‌خرد و وصیت می‌کند که پس از او این فرش در ساختمان مجموعه‌اش قرار بگیرد.

پیوست‌ها



تصویر ۱: فرش نقش شکارگاه موجود در موزه پولدی ییزولی میلان و نقش ماهی آبی و قهوه‌ای در کادر کرم رنگ بالا و پایان ترنج مرکز قالی

اهمیت و نقش ماهی در تاریخ اجتماعی و اقتصادی عصر صفوی ۲۱



تصویر ۲: فرش چلسی موجود در موزه ویکتوریا و آلبرت لندن و نقش ماهی در کادر کرم رنگ مرکز قالی



تصویر ۳: قالی طرح باغی موجود در موزه فرش گلاسکو و نقش ماهی در نهرهای باغ مرکزی



تصویر ۴: فرش سانگوشکو موجود در مجموعه سانگوشکو و نقش ماهی در حاشیه فرش

اهمیت و نقش ماهی در تاریخ اجتماعی و اقتصادی عصر صفوی ۳۳



تصویر ۵: فلوس همدان، گاو سوار بر ماهی، مجموعه رضا میرزایی فرد



تصویر ۶: فلوس همدان، دو ماهی، بهرام علاءالدینی



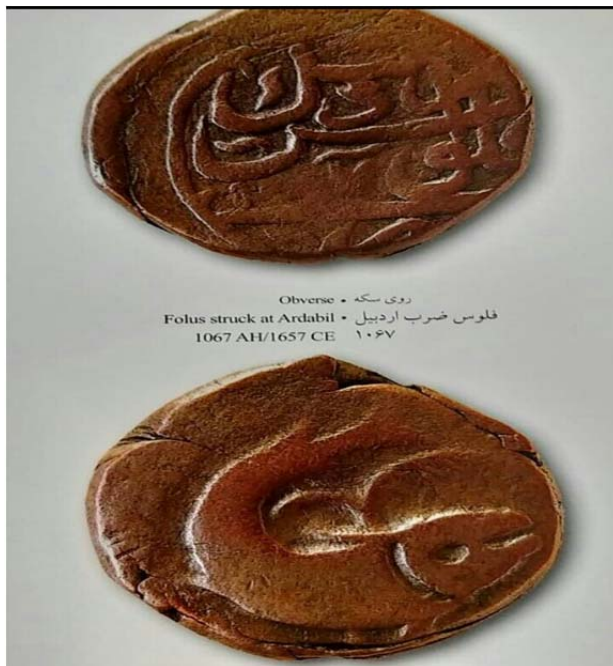
تصویر ۷: فلوس دزفول ماهی و گل نیلوفر از مجموعه شخصی اسماعیل رسولی



تصویر ۸: فلوس شوشتر، ماهی و میوه درخت کاج از مجموعه شخصی اسماعیل رسولی



تصویر ۹: فلوس اردبیل، ماهی، مجموعه شخصی رضا میرزایی فرد



تصویر ۱۰: فلوس اردبیل، ماهی بزرگ، بهرام علاالدینی



تصویر ۱۱: فلوس رشت، دو ماهی از مجموعه شخصی رضا میرزایی فرد



تصویر ۱۲: فلوس خوی، دو ماهی، مجموعه شخصی رضا میرزایی فرد



تصویر ۱۳: فلوس شیراز، دو ماهی از مجموعه شخصی پیمان فاروقیان

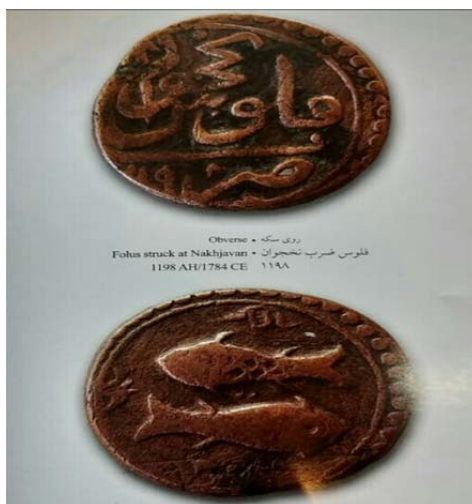


تصویر ۱۴: فلوس ایروان، ماهی و گل نیلوفر، مجموعه شخصی رضا میرزایی فرد

اهمیت و نقش ماهی در تاریخ اجتماعی و اقتصادی عصر صفوی ۲۷



تصویر ۱۵: فلوس تفلیس، ماهی و (؟) از مجموعه شخصی کسی نخواست اسمش فاش شود



تصویر ۱۶: فلوس نخجوان، بهرام علاالدینی

کتابنامه

- ابن فقیه، احمد بن محمد (۱۸۸۵)، *مختصر کتاب البلدان*، لیدن، بریل.
- اشپوهلر، ف (۱۳۸۰)، «قالی بافی و نساجی»، *تاریخ ایران در دوره صفویان*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: جامی.
- افروغ، محمد (۱۳۹۰)، «نقوش قالی دست‌باف ایرانی، عناصر و نمادهای هویت ملی»، *فصلنامه مطالعات ملی*، سال دوازدهم، شماره ۴، (۱۴۱-۱۷۲)

- اشپولر، برتولد (۱۳۷۳)، *تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی*، ج ۲، ترجمه مریم میراحمدی، تهران: علمی و فرهنگی.
- امینی هروی، امیر صدرالدین ابراهیم (۱۳۸۳)، *فتوحات شاهی «تاریخ صفوی از آغاز تا سال ۹۲۰ ه.ق.»*، تصحیح محمدرضا نصیری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- اولثاریوس، آدام (۱۳۸۵)، *سفرنامه آدام اولثاریوس «ایران عصر صفوی از نگاه یک آلمانی»*، ترجمه احمد بهپور، تهران: ابتکار نو.
- بدلیسی، شرف خان (۱۳۷۷)، *شرفنامه*، ج ۱ و ۲، تصحیح و تحقیق ولادیمیر ولیامینوف، تهران: اساطیر.
- بلو، دیوید (۱۳۹۶)، *شاه‌عباس «پادشاه بی‌رحمی که به اسطوره مبدل گشت»*، ترجمه خسرو خواجه نوری، تهران: امیرکبیر.
- بیکر، پاتریشا (۱۳۸۸)، *«فرش‌های صفوی و عقاید قرن نوزدهمی اروپا»*، هنر و معماری صفویه، به کوشش شیلا کننی، ترجمه مزدا موحد، تهران: موسسه تالیف، ترجمه و نشر آثار هنری متن.
- بهار، مهرداد (۱۳۷۵)، *ادیان آسیایی*، تهران، چشمه.
- پاشایی، ژیلا (۱۳۹۳)، *«ظهور نقش‌مایه ماهی آئین مهر در مهرهای دوره قاجار و فلوس‌های دوره صفوی و قاجار»*، فصلنامه گنجینه اسناد، شماره ۲، ص ۱۰۶-۱۳۷
- تارونیه، ژان باتیست (۱۳۸۹)، *سفرنامه تارونیه*، ترجمه حمید ارباب شیرانی، تهران: نیلوفر
- ترکمان، اسکندربیگ (۱۳۸۲)، *تاریخ عالم‌آرای عباسی*، ج ۱ و ۲ به تصحیح ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.
- حموی، یاقوت (۱۳۸۳)، *معجم‌البلدان*، ج ۱، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور.
- حزین لاهیجی، شیخ محمدعلی (۱۳۳۲)، *تاریخ حزین «اواخر صفویه - فتنه افغان و سلطنت نادرشاه و احوال جمعی از بزرگان»* اصفهان: انتشارات کتابخانه تائید اصفهان.
- جنابدی، میرزاییگ (۱۳۷۸)، *روضه‌الصفویه*، تصحیح غلام‌رضا طباطبایی‌مجد، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- چیت‌سازان، امیرحسین (۱۳۸۵)، *«نمادگرایی و تاثیر آن در فرش ایران»*، فصل‌نامه علمی پژوهشی گنججام، شماره ۵، (۳۷-۵۶)
- حسینی استرآبادی، سید حسن (۱۳۶۶)، *تاریخ صفویه از شیخ صفی تا شاه صفی «از تاریخ سلطانی»*، تصحیح احسان اشراقی، تهران: علمی.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همادالدین (۱۳۸۰)، *حبیب‌السير*، ج ۴، تهران: خیام.
- خواجه نظام‌الملک، ابوعلی (۱۳۴۴)، *سیاست‌نامه*، با حواشی و تصحیح محمد قزوینی، تهران: زوار.
- دلاواله، پیتر (۱۳۸۴)، *سفرنامه دلاواله «قسمت مربوط به ایران»* ترجمه شعاع‌الدین شفا، تهران: علمی و فرهنگی.
- روملو، حسن بیگ (۱۳۵۷)، *احسن‌التواریخ*، ج ۱، به تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: بابک.

سانسون (۱۳۴۶)، *سفرنامه سانسون* «وضع کشور شاهنشاهی ایران در زمان شاه سلیمان صفوی»، ترجمه تقی تفضلی، تهران: ابن سینا.

سیوری، راجر (۱۳۸۲) *ایران عصر صفوی*، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران: مرکز.

سفرنامه بازرگانان ونیزی در ایران (۱۳۸۱)، *سفرنامه‌های ونیزیان در ایران «شش سفرنامه»*، ترجمه منوچهر امیری، تهران: خوارزمی.

شاردن، ژان (۱۳۷۲)، *سفرنامه شاردن*، ج ۱-۵، ترجمه اقبال یغمایی، تهران: توس.

شاه تمهاسب صفوی (۱۳۴۳هـ.ق)، *تذکره شاه تمهاسب* «شرح وقایع و احوالات زندگی شاه طهماسب صفوی به قلم خودش»، به سعی و اهتمام عبدالشکور مدبر، برلن: چاپخانه کاویانی.

صباغ‌پور، طیبه؛ شایسته‌فر، مهناز (۱۳۹۱)، «تاویل و تفسیر معانی نمادین نقش مایه ماهی در قالی‌های دوره صفویه با نظر به مثنوی معنوی مولانا»، *فصل‌نامه علمی پژوهشی گلجام*، ۱۳۸۸ - شماره ۱۲، (۳۱-۵۴)

علاءالدینی، بهرام (۱۳۹۱)، *فلوس دوره‌های صفوی و قاجار*، تهران: یساولی.

فلسفی، نصرالله (۱۳۴۷)، *زندگانی شاه‌عباس اول*، ج ۲، تهران: دانشگاه تهران.

فیگوترو، دُن گارسیا دسیلوا (۱۳۶۳)، *سفرنامه دن گارسیا دسیلوا فیگوترو*، ترجمه غلام‌رضا سمیعی، تهران: نشر نو.

قزوینی، زکریا بن محمد (۱۳۷۳)، *آثارالبلاد و اخبار العباد*، تهران: امیرکبیر.

قمی، قاضی احمد (۱۳۸۳)، *خلاصه التواریخ*، ج ۱ و ۲، تصحیح احسان اشراقی، تهران: دانشگاه تهران.

کارری، جملی (۱۳۴۸) *سفرنامه کارری*، ترجمه عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ، تبریز: اداره کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی.

مقدسی، ابو عبدالله محمد (۱۳۶۱) *احسن‌التقاسیم فی معرفه الاقالیم*، ج ۱ و ۲، تهران: شرکت مولفان و مترجمان.

مسعودی، علی بن‌الحسین (۱۳۸۲)، *مروج الذهب*، ج ۱، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: علمی فرهنگی.

منشی قزوینی، بوداق (۱۳۸۷) *جواهر الاخبار*، تصحیح محسن بهرام نژاد، تهران: میراث مکتوب.

واله قزوینی، محمدیوسف (۱۳۸۲) *ایران در زمان شاه صفی و شاه‌عباس دوم*، تصحیح محمدرضا نصیری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

واله قزوینی، محمدیوسف (۱۳۷۲) *تُخلد برین*، تصحیح میرهاشم محدث، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.

وحید قزوینی، میرزا محمد طاهر (۱۳۸۳) *تاریخ جهان‌آرای عباسی*، سیدسعید میرمحمد صادق، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.